

## پوشاک ایرانی ایزد مهر، نمادی شرقی در فرهنگ و تجلیات میترا در غرب

ابوالقاسم دادور<sup>۱\*</sup>، سید علی میرعمادی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۹/۱۲)

### چکیده

پوشاک مردمان ایران زمین در دوران باستان از مواردی است که نقش بسزایی در فرهنگ این سرزمین ایفا می کند و در پوشاک ایزدمهر، الگوی ایرانی را می توان دید. با حضور این کیش در اروپا، پوشاک ایرانی مهر به عنوان لباس میترای غربی در نقش معروف تاورکتونی (گاوکشی) متجلی شده است. پس از حضور کیش مهر در اروپا، مسیحیت ظهور کرد و علی رغم عناد مسیحیان و از بین بردن مظاهر مهرپرستی، این آیین در دل مسیحیت متبلور، استحاله گردید و موجب شد تا عناصر آن در نهاد این دین رسوخ کند که امروزه به عنوان اصلی ترین و شناخته شده ترین عناصر و نمادهای آن به شمار می آیند. یکی از این عناصر، پوشاک و کلاه ویژه مهرپرستان است که حتی در جزییات نیز مسیحیت از آن پیروی تام کرده است. رنگ ارغوانی برگرفته از پوشاک اشرافی هخامنشیان و لباس ایزدمهر که امروزه به عنوان رنگی مقدس در لباس پاپ و کاردینال ها است، نمونه ای از این تجلیات است. در این مقاله، ابتدا پوشاک ایزد مهر با توجه به ماهیت ایرانی آن و سپس سیر تحول و تطور آن در میترای غربی و پوشاک مسیحیت مورد مطالعه قرار گرفته است.

### واژه های کلیدی

ایزد مهر، پوشاک، لباس، کلاه فریجی، میترا.

## مقدمه

پذیرفته، جنبه‌های رمزآلود این آیین روشن شده است، اما آنچه شایان توجه است آنست که بسیاری از آثار و نقوش به جای مانده از آن در کشورهای اروپایی قرار گرفته است و اگرچه مکتوبات بسیاری نیز در ایران زمین وجود دارد، اما کمبود منابع تصویری این شبیه را بر بعضی از محققان ایجاد کرده که آیین رمزآلود میترا با مهرپرستی ایرانی متفاوت است و استناد آنها به همین آثار مکشوف در اروپا است. در این مقاله سعی بر این است تا با روندی متفاوت از گذشته تنها با بازشناسی نمادها و نشانه و عناصر ایرانی موجود در آثار غربی، به درکی دقیق تر از این آیین کهن دست یابیم و در این راستا، اولین گام، بررسی ظاهری مجسمه‌های مکشوفه‌ی میترا در اروپا و تطبیق آن با هنر ایران زمین است. به طور مثال اولین چیزی که در نگاه اول در این مجسمه‌ها ممکن است توجه ما را جلب کند، نوع پوشش آنهاست که به نوعی برگرفته از پوشاک ایرانی است و این خود نشانه‌ای بر تطابق ایزدمهر ایرانی با میترای غربی است که در ادامه‌ی مقاله به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. تحقیق حاضر با استفاده از روش تاریخی \_ تحلیلی و مطالعه‌ی اسنادی انجام شده و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. در قسمت هایی از آن با استناد به تصاویر، مطالب مورد تحلیل قرار گرفته است. تا پیش از این مطالب بسیاری به شکلی پراکنده درباره‌ی آیین مهر به رشته تحریر در آمده است، اما متأسفانه هیچ یک از کتاب‌ها و مقالات به شکلی منسجم به موضوع پوشاک ایرانی ایزد مهر (میترا) و تجلی آن در غرب و پس از آن مسیحیت نپرداخته‌اند، لذا هدف تحقیق آنست که با شناخت و جستجوی ریشه‌های آن در پوشاک اقوام ایرانی، عناصر آن را مورد مطالعه قرار داده و سپس با توجه به نفوذ این کیش در اروپا و استحاله‌ی آن در مسیحیت، پوشاک آن را مورد تطبیق قرار داده و ایرانی بودن آن را به اثبات برساند.

از دیرباز بشر همواره به دنبال دستاویزی بوده است تا خود را به وسیله‌ی آن از بند عالم ماده برهاند و به دنیایی فراتر گام نهد، ماورایی که او را از ترس‌ها و کاستی‌ها به اقتدار خالی از اضطراب هدایت کند و همین امر از فطرت خداجوی او نشأت گرفته است. این حس درونی که از آن به پرستش یاد می‌شود، در دوران متمدنی حیات، منشاء و سرچشمه‌ی آفرینش و خلق آثار کم نظیری شده است که امروزه راه را در شناخت هنر و تاریخ پیشینیان بر ما هموار می‌سازد. به بیان دیگر، وجود چنین احساس ذاتی و درونی در لایه‌های ناخودآگاه تفکر و درون بشر، سرمنشاء پیدایش ادیان اولیه شد، ادیانی که او در اعماق آن به دنبال یافتن معنا و ماهیتی حقیقی از عالم بوده است تا تمام ساحات زندگی و مرگ را دریابد و چون همواره تجسم بر او امری بدیهی بوده و درکی ملموس از معنویات نداشته است، دست به خلق آثاری زده تا تجسمی مادی از دنیای مجازی را در کنار خود داشته باشد که امروزه به عنوان نماد و تجلیات آن شناخته شده است. پس می‌توان این چنین گفت که ادیان از دیرباز با مظاهر خارجی همراه بوده است که اگرچه در ابتدا یک اثر هنری محسوب نمی‌شده، اما با گذشت زمان هم شکل آثار کم نظیر هنری و ارزشمند به خود گرفته است و هم بسیاری از نقاط مبهم را که چهره از ما پوشانده، به نور خود روشن ساخته است.

یکی از کهن‌ترین آیین‌هایی که پهنه‌ی خود را در بسیاری از نقاط آسیا و اروپا گستراند، دین مهر یا میترائیسم بود که منشاء پیدایش آن را با توجه به مکتوبات می‌توان ایران دانست. آیینی که امروزه با توجه با قلت آثار و برخی از حوادث زمان و حتی ماهیت وجودی این آیین در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. آیینی که اگر مَغ‌های زرتشتی و آبی کلیسا با آن عناد نمی‌ورزیدند، شاید تاکنون به حیات خود ادامه داده بود.

با پژوهش‌های بسیاری که امروزه در مهرپرستی صورت

## اهمیت پوشاک در ایران باستان

در ایران، از ایام کهن، پوشاک به عنوان عامل معرفت‌ها بوده است و در دوران متفاوت از فرهنگ این مرز و بوم نقش خود را حفظ کرده است. البته ناگزیر به پذیرش هستیم که ارتباطات فرهنگی با کشورهای همسایه باعث ظهور تأثیراتی در پوشاک اقوام در کشورهای مجاور شده است و نمونه این تأثیر را در مقایسه پوشاک عیلامی و بین‌النهرین می‌توان به وضوح دید. در آثار بر جای مانده علی‌الخصوص در نقوش برجسته، همواره شکل‌های متفاوتی از پوشاک این سرزمین بر سنگ‌ها نقش بسته‌اند که این نقشی تعیین کننده در شناخت اقوام دارد و امروزه همین نقوش برجسته است که نوع پوشاک به طور مثال

پوشش به عنوان یکی از کهن‌ترین مظاهر تمدن، از مهم‌ترین تولیدات دست بشر است. اگرچه در نخستین فرم خود شکلی بسیار ابتدایی داشت، اما در طول ادوار متفاوت تکامل یافته و به شکل امروزی درآمده است. نکته قابل توجه آنجاست که همین تولید به ظاهر ساده که به حسب نیاز پدیدار شد، بسیاری از شبیه‌های ما را در شناخت نوع پوشش اقوام و بازشناسی آنها برطرف ساخته است. شایان ذکر است قدیم‌ترین شکل پوشش را می‌توان بر اساس پوشش الهه‌ها، نقوش انسانی روی ظروف و نهایتاً در شکل پیشرفته خود در نقوش برجسته بر روی سنگ‌ها شناسایی کرد.

مانند شنل شاپور اول در نقش رستم و یا اردشیر پاپکان در طاق بستان (تصویر ۲) که دنباله‌ی شنل آنها بر روی نقوش برجسته کاملاً مشهود است" (غیبی، ۱۳۸۸، ۲۱۱).



تصویر ۱- الف) گروه نمایندگان سکایی، تخت جمشید، پلکان شرقی آپادانا.



ب) گروه نمایندگان مادی در حال آوردن هدایا، تخت جمشید پلکان شرقی آپادانا، قرن ششم تا پنجم ق.م.

ماخذ: (سایت: [www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org))



تصویر ۳- پلاک طلایی برسم بر دست، گنجینه ی جیحون، قرن هفتم تا ششم ق.م، موزه ی بریتانیا. ماخذ: (سایت: [www.britishmuseum.com](http://www.britishmuseum.com))

قوم ماد را به ما نشان می دهد. یکی از زیباترین نقوشی که در آن پوشش اقوام ایرانی بر ما نمایانده شده است، نقش برجسته‌ای مربوط به دوره هخامنشیان در تخت جمشید است که ملل هدیه آورنده را به تصویر کشیده است و این نقش، آیینی تمام نمای پوشاک اقوام است و تا حدودی ما را در ادامه یاری خواهد کرد (تصویر ۱). در تصویر الف، نمایندگان سکا و در تصویر ب، نمایندگان ماد به عنوان بخشی از نقش برجسته قابل مشاهده است. الزام این مقاله در ذکر این نقش برجسته، ردیابی پوشش میترا در نقوش بدست آمده و تطبیق آن با پوشاک ایرانی است.

## پوشاک ایزد مهر در ایران باستان

بی شک یکی از مهم‌ترین وجوهی که از آن می توان به ماهیت ایرانی ایزد مهر یا میترای غربی پی برد، پوشاک اوست که در این بخش به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت. از قدیمی‌ترین نقوشی که در ایران مربوط به ایزد مهر است، نقشی است که در طاق بستان وجود دارد و می توان آن را یکی از محدود نقش برجسته‌های بر جای مانده در ایران دانست که مهر در آن به روشنی نقش بسته است. در این نقش برجسته، ایزد مهر لباسی بر تن دارد که نوعی لباس رایج در دوره ساسانی است. این لباس شامل شلوار چین داری است که به نوعی شباهت به شلوارهای دوره سلوکی و اشکانی دارد، در این نقش اهورامزدا در حال اعطای مقام شاهی به پادشاه است. "در این نقش برجسته هر دو شلوار به پا دارند که از جانب داخل پا چین خورده و به وسیله‌ی بندی به مچ پا چسبیده و هر یک کمر بند و گردن بند و دستبندهایی دارند" (کریستینسن، ۱۳۸۸، ۱۸۷). بالا پوش آن تا بالای زانو بوده بروی آن شالی بسته شده است و بر روی بالا پوش شنلی وجود دارد که یکی از اجزایی است که در نقوش این دوره به چشم می خورد. "ساسانیان گاهی از شنل به عنوان لباس رو و لباسی که نشانه‌ی اشرافیت و پادشاهی بود، استفاده می کردند،



تصویر ۲- تصویر اعطای مقام شاهی در سنگ نگاره ی طاق بستان، سده چهارم میلادی.

ماخذ: (سایت: [www.pic.blogfa.com](http://www.pic.blogfa.com))

است که شباهت‌های بسیار زیادی به شلوارهای دوره‌ی اشکانی (تصویر ۵) و یا حتی پیش از آن دارد. البته این به معنی پیروی تام از دوران گذشته نیست، بلکه می‌توان تنها شباهت‌هایی را در آنها یافت که شاید به عنوان عنصر زیبایی‌شناسی زمان مطرح بوده باشد. به طور مثال چین خوردگی که در لباس‌های اشکانیان و ساسانیان وجود دارد، به نوعی میراث دار دوران هخامنشی هستند. "انحناهای ظریف و پر نرمش و برجستگی کم نقش‌ها با شکل تا خورده پارچه‌ها و جامه‌ها و تزیینات پر ظرافت و مجسمه‌ها در دوره اشکانی همه از سنت هنری هخامنشی ریشه گرفته‌اند" (کالج، ۱۳۸۸، ۱۵۹).

البته نمی‌توان به قطع و یقین عنوان کرد که این چین خوردگی فقط به خاطر زیبایی بوده است و ممکن است علت دیگری نیز وجود داشته باشد. چراکه ایرانیان از دیرباز اقوامی جنگاور و سوارکار بودند و شلواری راحت و گشاد می‌توانست به سهولت در امر سوارکاری آنها کمک کند، از همین رو این دو علت مشخصه‌ی شلوارها و به طور کلی جامه‌ی ایرانی است که در کلیه نقوش برجسته ایران می‌توان آن را مشاهده کرد. "مادها اولین قوم ایرانی بودند که به پرورش اسب اهمیت می‌دادند و در سوارکاری مهارت خاصی داشتند و در روایات ملی ما نیز به این مساله اشاره شده است: از این رو لباس مردان مادی می‌بایستی لباسی باشد که به آسانی بتوانند بر اسب سوار شوند" (غیبی، ۱۳۸۸، ۷۶) (تصویر ۶).

پس با نگاهی اجمالی میان شلوار ساسانیان در بشقاب سیمین شاپور و نقش برجسته‌ی طاق بستان با شلوار نجیب‌زاده اشکانی (شمی) و مجسمه مرد مادی در موزه‌ی برلین، به خوبی شباهت و وام دار بودن آن و تأثیری که از آن سخن به میان آمد دیده می‌شود. "شلوار اشکانیان از لحاظ برش و فرم همانند شلوار مادها ولی به مراتب گشادتر و با نمادهای معمارگونه است" (همان، ۱۶۵). البته تفاوت‌هایی نیز در آنها وجود دارد به طور مثال در شکل ظاهری اندکی تفاوت بین شلوارهای اشکانیان با ساسانیان وجود دارد، در دوره ساسانیان چین شلوار در قسمت بیرونی آنست در حالیکه چین شلوار در دوره اشکانی در قسمت داخلی قرار گرفته است. به طور کلی لباس ایرانیان در دوران مورد بررسی از سه قسمت اصلی که شامل شلوار، بالاپوشی تا نزدیک به زانو و شنل تشکیل می‌شده است. بالاپوش (تونیک) یکی دیگر از اجزای لباس ایرانیان در دوران باستان بوده است. "ساسانیان هر از گاهی از مانتو یا قبای جلو باز با آستین بلند استفاده می‌کردند" (همان، ۲۱۱) و در واقع این دو یعنی شلوار و تونیک روی آن بخش‌هایی مکمل در لباس ایرانیان بوده است و در سنگ نگاره‌ها و بشقاب‌هایی که از دوره‌ی ساسانی بیشتر بدست آمده است، می‌توان آن‌را مشاهده کرد و نهایتاً جزء سوم یعنی شنل که یکی از اجزای اصلی لباس ایرانیان از دیرباز به شمار می‌آمده است که هخامنشیان نیز از این شنل بهره می‌بردند. با توجه به آنچه گذشت می‌توان چنین برداشت کرد که این مشخصه‌ی ویژه در لباس ایرانیان در دوره‌ی

از زیباترین پوشاک دوره ساسانی، شلواری است که در بیشتر نقوش برجسته‌ی این دوره با توجه خاصی همراه جزئیات به دیواره‌های سنگی حک شده است. البته با توجه به تصاویر بدست آمده از نقوش برجسته و ظروف فلزی (تصویر ۴) و مقایسه این تصاویر با گذشته می‌توان دریافت که ساسانیان تا حدی میراث‌دار اقوام حاکم پیش از خود بر این سرزمین در دوران گذشته بوده‌اند (تصویر ۳). شلواری که ایزد مهر پوشیده است، شلواری



تصویر ۴- بشقاب شاپور دوم در حال شکار شیر، موزه‌ی آرمیتاژ. ماخذ: (سایت: [www.Hermitage.org](http://www.Hermitage.org))



تصویر ۶- مجسمه‌ی نقره‌ای مرد مادی، موزه‌ی برلین (موزه استاتلیش).

ماخذ: (سایت: [www.shahnameh.ir](http://www.shahnameh.ir)) (غیبی، ۱۳۸۸، ۸۵)



تصویر ۵- مجسمه‌ی نجیب‌زاده‌ی اشکانی، منطقه‌ی شمی، سده‌ی دوم ق.م، موزه ایران باستان.

رومی نیز کمتر پوششی مشاهده می‌شود، اگرچه مجسمه‌ها اگر پوششی به تن داشته باشند، در کمال ظرافت می‌باشد. لباسی که در نهایت می‌توان آن را تقلیدی ناخودآگاه از سبک پوشش ایران دانست و مصداق آن نقش برجسته‌ای است که مرد پارسی را در زنجیر و اسارت نشان می‌دهد (تصویر ۸).

در مقایسه این تصویر با تصاویر متعددی که از نقش تاورکتونی بدست آمده است (تصویر ۹)، در نهایت می‌توان چنین



تصویر ۷- آرتیمیس، ایزد جنگاور، مشعلی را دریافت می‌کند. ماخذ: (زیران، ۱۳۸۱، ۲۲۰)



تصویر ۸- مرد پارسی در اسارت سرباز رومی نقش شده بر قوس سپتسموس سوروس، ۲۰۰ میلادی، رم. ماخذ: (www.wikipedia.org)



تصویر ۹- میترا در حال قربانی کردن گاو (تاورکتونی)، موزه واتیکان، ایتالیا. ماخذ: (www.britishmuseum.com)

اشکانی که آئین مهر به اروپا راه یافت، با آن همراه شد و با توجه به سالم ماندن آثار میترائیسم در اروپا، امروزه تأثیر آن را بر این مجسمه‌ها می‌توان مشاهده کرد.

## تجلی پوشاک ایرانی ایزد مهر در کشورهای غربی

همانطور که در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده پیش از این ذکر شده است، آیین مهر یا همان میترائیسم به گفته‌ی پژوهشگران غربی، از ایران به گونه‌ای که هنوز هم مورد بحث است وارد اروپا شد و به رشدی دست یافت که اگر مسیحیت ظهور نمی‌کرد، شاید امروز نیز این آیین کماکان به حیات خود ادامه داده بود. "از بناهای تاریخی بسیاری می‌توان استنتاج کرد که کیش میتراپی در هر جا که لژیون‌های رومی مستقر بودند گسترش یافت" (وارنر، ۱۳۸۷، ۲۷۱). اما موردی که شک و شبیه ایجاد می‌کند، وجود نقوش بسیار زیاد بدست آمده در این سرزمین و قلت آثار در ایران است که باعث می‌شود این گونه‌اندیشیده شود که میترا در غرب با ایزد مهر شرقی متفاوت است. نقش عمده‌ای که بدست آمده، نقش تاورکتونی<sup>۱</sup> است که نقش اصلی در میترائیسم است و هیچ نمونه‌ی ایرانی از آن وجود ندارد. اما با کمی تعمق در داستان ایرانی ایزد مهر<sup>۲</sup> و لباس او می‌توان به درک عمیق‌تری از آن دست یافت و آن اینکه ایزد یکی از خدایان ایرانی است که به اروپا راه یافته است. در بسیاری از نقوش بدست آمده از ایزدان یونان و روم در بیشتر اوقات می‌توان مشاهده کرد که عمده‌ی آنها تن پوشی ندارند، اگرچه در بعضی از آنها نیز پوششی وجود دارد. اما این پوشش را با توجه به ارتباطات این دوران با ایران می‌توان تأثیری دانست که از جانب این سرزمین متوجه آنها شده است. با توجه به این مطلب می‌توان چنین برداشت کرد که یونانیان بر خلاف ایرانیان در به تصویر در آوردن خدایان و یا حتی نقوش برجسته مجسمه‌های خود، برای نمایش تناسب زیبایی شناختی و نمایش عظمت و قدرت کمتر علاقمند به نمایش لباس بوده‌اند یا حتی اگر به گونه‌ای مجسمه یا نقشی با پوشش ایجاد می‌کردند، این نقش لباسی چسبیده به بدن داشت، حال آنکه در ایران زمین هیچ گاه چنین نبوده است و با توجه به این رسم می‌توان چنین متصور شد که در بیشتر جاهایی که ایزدی لباس بر تن دارد، شاید الگوپذیرفته از لباس ایرانی باشد. نمونه برجسته‌ی آن را می‌توان در نقش آرتیمیس، ایزد بانوی شکارگر و جنگاور در حالیکه مشعلی را دریافت می‌کند که توسط سوارکاران دست به دست شده است، ملاحظه کرد (تصویر ۷). در این تصویر آرتیمیس همچون ایزد مهر به تصویر کشیده شده است با همان ردا یا شنل و لباسی که شبیه به لباس‌های ایرانی است و کلاهی که در ادامه‌ی مقاله بیشتر راجع به آن می‌پردازیم و این شکل از لباس همان چیزی است که در مجسمه‌های منسوب به میترا نیز می‌توان آن را مشاهده کرد.

اما آنچه در این میان اهمیت ویژه دارد اینست که رومیان نیز به نوعی میراث هنر یونان را گرامی داشتند و به نوعی می‌توان گفت در آثار خود همان روش و سیاق را به کار گرفتند. در ایزدان

گشاد بودن آنست و نهایتاً شنلی که بر روی دوش ایرانیان به عنوان نشانه اشرافیت قرار داشت. "مهر تنزیبی کوتاه با آستین دراز و با شلواری بلند پوشیده است و رودوشی دارد که روی شانۀ راستش با قلبی زرین بسته شده است. جامه‌ی او سرخ پر رنگ با دست دوزی راه راه سبز و نقش زرین و کفش او زرد است" (مقدم، ۱۳۸۸، ۷۳).

نقش موزاییکی نیز در موزه‌ی ملی ناپل ایتالیا وجود دارد که در آن نبرد اسکندر مقدونی با سپاه ایران به تصویر نقش بسته است. در این نقش، داریوش با لباسی که شباهت بسیاری به لباس ایزد مهر دارد دیده می‌شود که نشان از شکل ظاهری پوشش ایرانی دارد (تصویر ۱۰).

جزئیات پوشش ایرانیان در این تصویر به خوبی قابل مشاهده است. به ویژه شنلی که بر دوش داریوش سوم قرار گرفته است و همان بند زرینی که دو سر این شنل را به هم متصل ساخته است. رنگ شنل ارغوانی است و از اهمیت بسیاری برخوردار است چراکه رنگ ارغوانی رنگی است که در دوره هخامنشیان مورد تکریم بوده است. "دل بستگی مهر دینان به رنگ سرخ و ارغوانی برای آن بود که سرخی بامدادی پیش از آفتاب را مظهر جلوه ایزد مهر می دانستند. مهر خود شنل سرخ و کلاه سرخ دارد. شاهان هخامنشی جامه‌ی سرخ و ارغوانی می پوشیدند، به موجب بندهشن رنگ سرخ، رنگ جامه و نشان طبقه سپاهی بوده است که با مهر دل بستگی داشته‌اند" (رضی، ۱۳۷۱، ۳۶۹).

جالب آنست که علاقه‌ی ذکر شده که ریشه در زمینه‌های گذشته ایران زمین دارد، در راه ورود به اروپا نیز در مناطقی به منصف ظهور رسیده است. از جمله قدیمی ترین تصاویر بدست آمده از ایزد مهر که ویژگی‌هایی اینچنین دارد، دو تصویر به شیوه‌ی فرسک بدست آمده از منطقه‌ی دورا اروپوس است که در آن دو مرد پارتی به گونه‌ای اشرافی و باوقار بر روی تخت نشسته‌اند. این تابلوی تصویری، تمام خصوصیات لباس‌هایی که در گذشته ذکر آن به میان رفت را دارا می‌باشد. "در دو طرف محراب، پرستشگاه دورا اروپوس روی دیوار تصویر دو مهر بدیده می‌شود که لباس مخصوصی بر تن دارند و به طرز مجلل بر تختی نشسته‌اند، جامه‌شان مرکب از روپوش، شلوار و کلاه فریجی است" (ورمازن، ۱۳۹۰، ۲۶) (تصویر ۱۱).

البته این تنها نقشی نیست که از این منطقه بدست آمده است. یکی از معروف‌ترین نقوشی که از منطقه دورا اروپوس بدست آمده، نقشی است موسوم به میترا در نخجیرگاه که میترا را سوار بر اسب و در حال شکار به تصویر کشیده است. این نقش از آن جهت حایز اهمیت است که هم یکی از نقش‌های رایج در نقش برجسته و نگارگری ایران را به تصویر کشیده است و هم میترا را با لباسی ایرانی نشان داده و از آنجا که این منطقه دروازه ظهور میترا در غرب است، اهمیت آن دو چندان می‌شود (تصویر ۱۲).

اما همانطور که گفته شد رشد و گسترش آیین مهر یا میترا به علت تقارن زمانی با دین نیرومندتری به نام مسیحیت، در ادامه‌ی راه با مشکل مواجه شد. "در دوران چند سده در امپراطوری روم گسترده ترین دستگاه دینی بود: به سخن دیگر، در سده‌هایی که

نتیجه‌گیری کرد که میترای غربی همان ایزد مهر ایرانی است چرا که پوششی ایرانی به تن دارد و این پوشش همان پوششی است که در دوران متفاوتی در ایران مورد استفاده بوده است. این لباس شامل شلوار، پیراهن که دارای چین خوردگی به نشانه‌ی



تصویر ۱۰- داریوش هخامنشی، موزاییک نبرد اسکندر و ایرانیان، موزاییک، موزه ملی ناپل، ایتالیا.

ماخذ: ([www.museoarcheologico nazionale.campaniabenculturali.it](http://www.museoarcheologico nazionale.campaniabenculturali.it))



تصویر ۱۱- مرد پارتی، قاب دیواری، فرسک، دورا اروپوس، گالری هنرهای زیبا دانشگاه ییل.

ماخذ: ([www.historyhuntersinternational.org](http://www.historyhuntersinternational.org))



تصویر ۱۲- نقش شکار میترا در نخجیرگاه، فرسک، دورا اروپوس، سوریه.

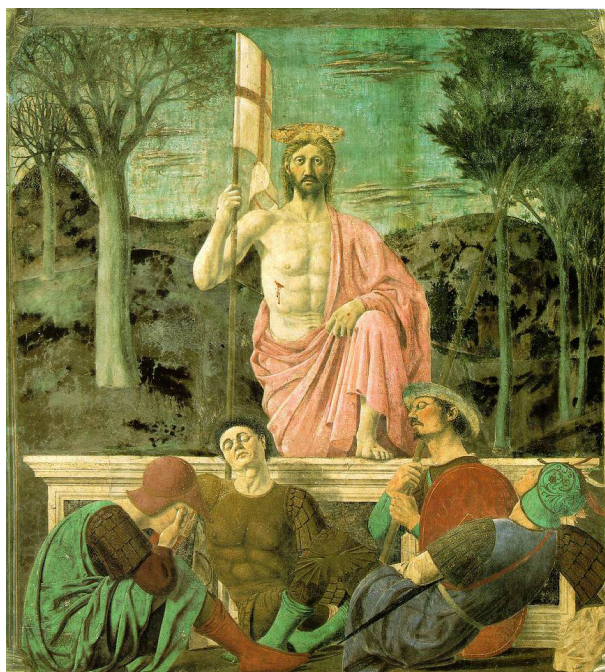
ماخذ: ([www.bendante.blogspot.com](http://www.bendante.blogspot.com))

## کلاه فریجی

یکی دیگر از پوشش‌هایی که در میترائیسم یا آیین مهر همواره به عنوان یک ویژگی مطرح بوده است، کلاه مهر یا میترا موسوم به کلاه فریجی بوده است. از دیر باز سرپوش به عنوان یکی از مهم‌ترین پوشش‌های ایرانی بوده است. نمونه‌های اولیه آن کلاه‌هایی است که اقوام ایرانی ماد، پارت و پارس همواره بر سر داشتند. "کلاه نزد قوم ماد گذشته از پوشاندن سر و صورت در مقابل سرما و گرما جنبه‌ی آرایشی و نمایشی نیز داشته است: جنبه‌ی نمایشی آن به ویژه در دوران فرمانروایی این قوم و پارس‌ها بیش تر به چشم می‌خورد" (غیبی، ۱۳۸۸، ۸۶).



تصویر ۱۳- تصلیب عیسی مسیح، فرسک، کاپادوکیه.  
ماخذ: (www.allposter.com)



تصویر ۱۴- برده‌ی نقاشی حیات نو، پیترو دلافرانچسکا، مسیح با ردای قرمز.  
ماخذ: (www.andrewgrahamdixon.com)

آن را مسیحی می‌خوانیم، دین مهر در برگزیده‌ی دین جهان غرب بود" (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۵). اما به سرعت مخالفت‌های آبابی کلیسا آغاز شد و با تغییر دین امپراطور تا نابودی آیین مهر پیش رفت و به ظاهر به نظر می‌رسد که این آیین از صحنه خارج شد اما این شکل ظاهری موضوع است، چرا که با دقت در آیین و مناسک مسیحیت می‌توان در دل این دین بسیاری از اصول مهرپرستی را باز یافت. حتی در کوچک‌ترین مسایل می‌توان ردپای مهرپرستی را جستجو کرد تا آنجا که می‌توان گفت: "دین مهر دینی هست و خواهد بود که نقشی جدی در تاریخ پرورش دین و بر مسیحیت داشته است" (همان، ۵).

"آیین و رسوم و باورهای این دین جهانی در همه‌ی دین‌هایی که پس از آن آمده‌اند، به ویژه مسیحیت بازمانده و حتی در کارهای هنری و ساختمان‌های پرستشگاهی از آن پیروی می‌کند" (مقدم، ۱۳۸۸، ۱۳).

یکی از ساده‌ترین تأثیراتی که مهر بر مسیحیت داشته است، در نوع پوششی است که امروزه نمایانگر پوشش مذهبی مسیحیت است اما اگر بخواهیم تحلیل درستی از آن داشته باشیم همان پوشاک ایزدمهر است که آن هم لباسی کاملاً ایرانی است و حتی در رنگ این لباس و فرم آن هم هیچ تغییری ایجاد نشده است. در قدیمی‌ترین نقاشی‌ها و فرسک‌های بدست آمده، نمونه‌ی این تصاویر به وضوح شباهتی بی‌بدیل را به ما می‌نمایاند، همانگونه که در مهرابه‌ها این چنین است. "در مهرابه‌هایی که در امپراطوری روم پیدا شده، هر جا شماییلی از مهر به جا مانده است، تن پوش مهر را به رنگ ارغوانی یا سرخ کشیده‌اند، امروز هم در تشریفات بزرگ مانند تاج بخشیدن به کاردینال‌ها، پاپ و همه‌ی کاردینال‌ها لباس سرخ می‌پوشند" (عطایی، ۱۳۸۹، ۳۱۵).

از قدیمی‌ترین این آثار مربوط به زندگی حضرت مسیح، صحنه‌ی مصلوب ساختن و زاری بر جسد اوست که در بسیاری از این تصاویر، او و ملازمانش شنلی قرمز رنگ و لباسی به سبک و سیاق ایزد مهر بر تن دارند (تصویر ۱۳). حتی در انجیل‌های چهارگانه نیز از شنل قرمز رنگ مهر که بر دوش حضرت مسیح انداختند سخن به میان آمده است.

"سربازان ابتدا عیسی را به حیاط کاخ فرماندار بردند و تمام سربازان دیگر را به دور او جمع کردند، سپس لباس او را درآوردند و شنل ارغوانی رنگی بر دوش او انداختند و تاجی از خارهای بلند درست کردند و بر سرش گذاشتند" (انجیل متی، باب ۲۷، ۹۳۱) (تصویر ۱۴).

بدین ترتیب دین مهر در مسیحیت به حیات خویش ادامه داد و به همین ترتیب لباس او نیز امروزه حتی به شکلی نمادین در پوشاک بابا نوبل دیده می‌شود و از جهاتی تبدیل به لباسی مقدس شده است. "رنگ ارغوانی و سرخ و گلرنگ لباس کاردینال‌ها و کشیشان مسیحی یادگاری از تشریفات مهری است. حافظ از پیر مغان یاد می‌کند که در برگزاری مراسم، لباس ارغوانی یا گلرنگ می‌پوشیده است" (رضی، ۱۳۷۱، ۳۶۹).

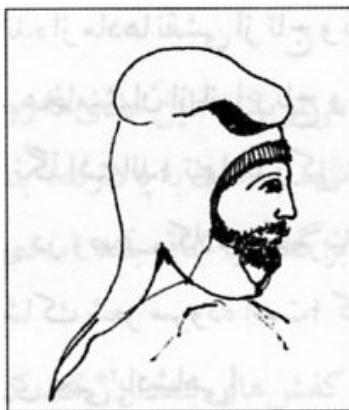
این کلاه شباهت بسیار زیادی به گونه‌ای از کلاه دارد که تحت عنوان باشلق شناخته می‌شود. "باشلق، کلاه مادی است که انواع مختلف آن در میان مادها، آرامنه، پارت ها و مردم قفقاز رایج بود" (همان، ۸۸) (تصویر ۱۵).

نمونه‌ی برجسته تنوع در نوع پوشش سر را نیز در تخت جمشید می‌توان مشاهده کرد. پلکان شرقی آپادانا، که ملل هدیه‌آورنده نزد پادشاه هخامنشی بر سنگ‌ها حک شده است، اهمیت این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد که در آن اقوام مختلف با سرپوش‌های متفاوتی به تصویر کشیده شده‌اند، از این رو کلاه از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار بوده است (تصویر ۱۶).

"کلاه‌ها پیشینه و عقایدی را در خود نهفته دارند که در افکار ملت‌ها دارای ریشه‌ی ژرفی است، اما به گونه‌ای که ظاهراً قابل تشخیص نیست. در ایران، کلاه برای تفکیک افراد و رفتارشناسی ایشان مطرح بوده است" (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۱۵۴). البته نمونه‌های دیگری نیز در دوره‌ی پارتیان و ساسانیان بر دیواره‌ها نقش بسته که باز به نوعی بر این گفته صحه می‌گذارد. "در نقشی در تنگ سروک نزدیک بهبهان مانند کلاه درویشی است که امروزه نیز دیده می‌شود. این گونه کلاه به کلاه نوک تیز سکاها (تصویر ۱۷) می‌ماند که در پیکره تراشی‌های داریوش در تخت جمشید و بیستون دیده می‌شود که شاید خاستگاه کلاه مهری باشد" (مقدم، ۱۳۸۸، ۷۴).

پس به طور کلی می‌توان کلاه بر سر مهر یا میترا را ماهیتی ایرانی دانست چرا که یونانیان با توجه به آنچه در متون باقی مانده است، به طور کلی از کلاه استفاده نمی‌کردند و حتی آن را نماد خوبی نمی‌دانسته‌اند حال آنکه در ایران هر قومی به کلاه خود شناسایی می‌شد. "کلاه فریگی مخصوص خدای کلاه بر سر است، هیچ یک از ایزدان باستانی یونان چنین کلاه آراسته‌ای نداشتند فقط گدایان، سالمندان، ملوانان، بیماران و کشاورزان بنابراین کلاه از نظر یونانیان پوشش و نمادی نامناسب برای اشاره به خدا بود. کلاه در میان یونانیان و هنرمندان ایشان همیشه به عنوان نماد شرقی مطرح بوده است" (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۱۴۸). اما آنچه امروزه آن را در مجسمه‌های غربی به کلاه میترا می‌شناسیم، همان کلاهی است که میراث قوم سکا در ایران است که البته در دوره‌های متفاوت به شکل‌های متفاوتی به منصفی ظهور رسیده است. "کلاه مهر که برجسته‌ترین نماد مهری است، نیز از کلاه سکاها چنان که در پیکره تراشی بیستون و روی کوزه‌های زرین سکایی دیده می‌شود گرفته شده است که مانند کلاه مهری در نقش میران در چین است" (تصویر ۱۸) (مقدم، ۱۳۸۸، ۸۲).

این کلاه با توجه به نفوذ بسیار زیاد آیین مهر به نقاط مختلفی از جهان راه یافت، تا آنجا که حتی در بعضی از زمان‌ها مفاهیم خاص خود را گرفت. البته بیش از آنکه این کلاه را سکایی بدانیم، باید ریشه‌ی آن را در سکاها دنبال کنیم، چراکه



تصویر ۱۵- باشلق مادی،  
قرن ۵ ق.م.  
ماخذ: (غیبی، ۱۳۸۸، ۸۹)



تصویر ۱۶- پلکان شرقی آپادانا، ملل هدیه آورنده، تخت جمشید.



تصویر ۱۷- کلاه سکایی،  
از قدیمی‌ترین شکل کلاه  
ایرانی، تخت جمشید.



تصویر ۱۸- کلاه سکایی،  
از قدیمی‌ترین شکل کلاه  
ایرانی، تخت جمشید.  
ماخذ: (مقدم، ۱۳۸۸، ۱۶۹)



مارونی ها آن را بر سر می گذارند" (مقدم، ۱۳۸۸، ۷۳). امروزه نیز این کلاه به عنوان کلاه پاپ و کاردینال های کاتولیک نقش بازی می کند و اسقف ها نیز در مراسم رسمی خود از آن استفاده می کنند. پس به طور کلی می توان این چنین عنوان کرد که کلاهی که در ایران زمین معرف اقوام بود، به شکلی از طریق آیین میتراپی به اروپا راه یافت و اگرچه این آیین در ادامه و رشد مسیحیت از حرکت باز ماند، اما تجلیات بیرونی آن که یکی از آنها کلاه فریجی است، هم اکنون نیز به عنوان یادگاری از ایران در فرهنگ غربی به جای مانده است.



تصویر ۱۹- میترا به همراه سل، دورا اورپوس.  
ماخذ: (www.lampuzo.wordpress.com)



تصویر ۲۰- موزاییک بدست آمده از منطقه ی اوستیا، مرتبه هفتم آئین تشریف میترا، مقام پدر.

ماخذ: (www.wikipedia.org)

کلاه مادها و ساسانیان نیز به همین شکل است. این کلاه نیز بر سر برخی از بزرگان مهری در شاهنشاهی اشکانی و ساسانی و مانند آنها که در نقش رستم و بیشابور تراشیده شده دیده می شود (ورمازرن، ۱۳۹۰، ۲۵). "مادها پوشش سر خود را حفظ کردند و آن عبارت بود از کلاه نرمی که یونانیان آن را فریجین می نامیدند و حدود دو هزار سال بعد انقلابیون فرانسه آن را به عنوان کلاه سرخ آزادی بر سر نهادند" (غیبی، ۱۳۸۷، ۷۷). اما در اروپا همان طور که قبلاً ذکر شد، پس از نفوذ آیین مهر، بیشترین تصویری که به چشم می خورد همان نقش گاوکشی است که در آن جوانی رعنا در حال قربانی کردن گاو است و یکی از مشخصه های اصلی این فرد که همان میترا است، کلاهی است که بر سر دارد. "در بیشتر پیکره های مهر می بینیم که مهر کلاه کیسه ماندی به گونه ی کلاه درویشان یا عرق چین نوک دار که نوک آن شکسته است و به طرف جلو و گاهی کنار عقب برگشته بر سر دارد، حتی در پیکره هایی که به جز کلاه چیز دیگری تن او را نپوشانده است، باز این کلاه را بر سر دارد" (مقدم، ۱۳۸۸، ۷۱). از قدیمی ترین تصاویری که در آن مهر با کلاهی فریجی یا نوک برگشته دیده می شود، فرسکی است که در دورا اورپوس میترا را همراه با سل خدای خورشید نشان می دهد (تصویر ۱۹). این مشخصه را اگرچه به لحاظ تصویری در ایران نمی توان پیگیری کرد، اما در متون گذشته ی این مرز و بوم از جمله اوستا می توان دید. "در اوستا از مهر چنین یاد می شود، مهر زیناوندی است که کلاه خود بر سر، زره در بر، سپر سیمین به دوش و گرز گران در دست دارد و بر گردونه ی زرین مینوی که دارای سوار است" (باقری، ۱۳۸۹، ۱۴۴).

این کلاه نه تنها نمادی برای میترا به حساب می آید، بلکه در مراتب هفتگانه این آیین نیز به عنوان مرتبه هفتم که بالاترین مرتبه در آیین مهری است، قرار گرفته است. مرتبه ای که مربوط به مقام پدر پدران است. "روی یک کاشی که در شهر اُستی به دست آمده، عصا و کلاه و خاتم ارشاد همچون علائم مشخص مرشد نقاشی شده است" (تصویر ۲۰) (ورمازرن، ۱۳۹۰، ۲۶).

این کلاه بنا بر همان چیزی که در ارتباط با استحاله ی این آیین در مسیحیت به آن اشاره شد، امروزه نیز به حیات خود ادامه داده است و به عنوان کلاهی مذهبی در این دین به شمار می رود. "سر گذاشتن کلاه مهری سرخ در میان عیسوی های مارونی رسم است و آن را در عربی دلف می گویند" دلف کلاه سرخ به گونه ی یک کیسه است که نوک آن به عقب برگشته و

## نتیجه

از حلقه های گمشده ی این کیش ایرانی که به خاطر همین حوادث تاریخی رویداده در این زمان تا حدودی ایرانی بودن آن را تحت الشعاع قرار داده است، مهرپرستی، تقریباً مقارن با دین زرتشت در ایران و مسیحیت در اروپا به منصفی ظهور رسید و همین نکته باعث شد تا با به قدرت رسیدن مَغ های زرتشتی در ایران و مسیحیان در اروپا و راهیابی

با توجه به پژوهش های بسیاری که در زمینه ی آیین مهر صورت گرفته است، امروزه کمتر موضوع مبهمی در آن وجود دارد، اما این به معنای آن نیست که تمام زوایای وجود این آیین بر ما روشن شده است چرا که این آیین بسیار رمزآلود و سری بوده است و دیگر آنکه با توجه به اتفاقات تاریخی در آن نکاتی بر ما پوشیده مانده است. یکی

داشته است. شنلی که ایرانیان و به ویژه بزرگان و شاهان ایرانی بر دوش می بستند و نشانی بر اشرافیت بود و در ادامه در اروپا در پوشاک میترا متجلی می شود و باز حکایت از ایرانی بودن این ایزد دارد. این پوشاک با توجه به استحاله‌ای که در دین مسیح پیدا کرد، به حیات خود ادامه داد و نمونه‌هایی از نقاشی‌های عیسی مسیح و حواریون در دست است که از شنل استفاده شده و حتی در کتاب مقدس مسیحیان نیز به آن اشاره شده است. حتی رنگ این شنل که به رنگ ارغوانی است برگرفته از رنگ شنل هخامنشیان است که ابتدا در ایزدمهر دیده می‌شود و سپس بر دوش حضرت مسیح و در نهایت امروزه به عنوان رنگ لباس کاردینال‌ها و پاپ است. در نهایت کلاه فریجی مورد بررسی قرار گرفت. کلاه از دیر باز در ایران زمین نشانی بر شناخت اقوام ایرانی بوده است و اقوام ایرانی با کلاه‌های خود شناسایی می‌شدند. کلاه میترا بسیار شبیه به کلاه سکایی است و در ادامه نکته مهم آنست که با توجه به منابع و گفته‌ی مورخان در یونان باستان و روم، کلاه نشانی ناشایست بوده و تنها بر سر گدایان و تهیدستان دیده می‌شده است و کلاهی که بر میترا است، نشانی ایرانی است. این کلاه در مقاطعی از تاریخ مفاهیم متفاوتی به خود گرفته است، زمانی به نشانه‌ی آزادی بوده است و نمادی مثبت به شمار می‌رفت تا آنجا که ژاکوبین‌ها که فرقه‌ای آزادی خواه بوده‌اند از آن استفاده می‌کردند، این کلاه امروزه به عنوان کلاه پاپ نشانی ایرانی و منشاء سکایی دارد که از مجرای مهرپرستان و با نفوذ در آیین مسیح بر سر بزرگان این دین دیده می‌شود.

آنها به حکومت، بسیاری از ظواهر آن نابود شود. تا آنجا که در ایران هیچ نمونه‌ای از این هنر باقی نمانده است، با این وجود در کشورهای غربی، نشانه‌هایی از وجود آن را می‌توان یافت، از جمله نقاشی‌های دیواری و مجسمه‌هایی که امروزه در موزه‌های معتبر و حتی گاهی در بعضی از کلیساها نگهداری می‌شود، همین قلمت تصاویر در ایران باعث شده تا این شبهه ایجاد شود که این آیین، غربی است و برخی از محققان آن را متفاوت از مهر ایرانی بدانند، اگرچه این شبهه سالیانی است که با توجه به داستان‌های مکتوب ایرانی برطرف شده است. در این مقاله، ابتدا لباس ایزد مهر با توجه به تک نقش برجسته باقی مانده مورد بررسی قرار گرفت. لباسی که از سه بخش اصلی تشکیل شده و این اجزا میراث اقوام ایران باستان است. شلوار ایزد مهر شلواری است که در ایران دوره‌ی ماد و اشکانی و بالطبع با اندکی تغییر در دوره‌ی ساسانی رواج داشت. شلواری که خصوصیت ویژه آن چین و شکن فراوان آن بود و دو چیز را بر ما عیان می‌سازد، اول از زیبایی شناسی این زمان خبر می‌دهد و دیگر آنکه سهولت آن در سوار کاری موجب انتخاب آن شده است و این، گونه‌ای لباس ایرانی است که در دوران متفاوت در ایران مورد استفاده اشراف بوده است و در نقش ایزد مهر نیز دیده می‌شود. حال آنکه در مقایسه با تندیس‌های عریان یونانی و رومی از این حقیقت خبر می‌دهد که میترا پوششی ایرانی به تن دارد. یکی دیگر از نشانه‌های ایرانی بودن آن، استفاده از بالاپوش و شنل به عنوان جزء مکمل شلوار است که از دوره ماد و پس از آن در ایران رواج

## پی‌نوشت‌ها

غیبی، مهر آسا (۱۳۸۸)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، چاپ سوم، انتشارات هیرمند، تهران.  
کالج، مالکم (۱۳۸۸)، اشکانیان (پارتیان)، مترجم: مسعود رجب نیا، چاپ چهارم، انتشارات هیرمند، تهران.  
کریستینس، آرتور (۱۳۸۸)، ایران در زمان ساسانیان، مترجم: رشید یاسمی، انتشارات صدای معاصر، تهران.  
مقدم، محمد (۱۳۸۸)، جستاری درباره‌ی مهر و ناهید، چاپ سوم، انتشارات هیرمند، تهران.  
وارنر، رکس (۱۳۸۷)، دانشنامه‌ی اساطیر جهان، مترجم: ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ دوم، انتشارات اسطوره، تهران.  
ورمازن، مارتین (۱۳۹۰)، آیین میترا، مترجم: بزرگ نادر زاد، چاپ هشتم، نشر چشمه، تهران.

۱ Taverctony: تاورکتونی به معنای کشتن و ذبح گاو است، میتراپرستان صحنه‌ی کشتن گاو را همیشه در محراب و مرکز معبد خویش می‌آراستند. در این صحنه، میترا گاو کش به صورت قهرمانی جوان و همچون شاهزادگان شرقی تصویر می‌شد، یعنی با نیم تنه و شنلی سرخ که در حال اهتزاز است و کلاهی با رأس خمیده که به کلاه فریجی معروف است (اولانسی، ۱۳۸۷، ۲۰).

۲ داستان ایزد مهر: بنا به اسطوره، خدای خورشید پیک خود، زاغ را به سوی میترا فرستاد و دستور داد گاو را بکشد. اما هنگام مرگ گاو معجزه‌ی بزرگی رخ داد. گاو سپید تبدیل به ماه شد، ردای میترا به گنبد آسمان با ستارگان درخشان و اختران تبدیل گشت. از دم و خون گاو نخستین خوشه‌ها و سنبله‌های غلات و انگور پدید آمد. (ثاقب فر، ۱۳۸۵، ۶)

## فهرست منابع

www.allposters.com  
www.andrewgrahamdixon.com  
www.benedante.blogspot.com  
www.britishmuseum.com  
www.en.citizendium.org  
www.historyhuntersinternational.org  
www.lampuzo.wordpress.com  
www.museoarcheologicoconazionale.campaniabenculturali.it  
www.pic.blogfa.com  
www.shahannameh.ir  
www.wikipedia.org  
www.hermitage.org

اولانسی، دیوید (۱۳۸۷)، پژوهشی نو در میترا پرستی، مترجم: مریم امینی، چاپ سوم، نشر چشمه، تهران.  
باقری، مهری (۱۳۸۹)، دین‌های ایران باستان، چاپ چهارم، نشر قطره، تهران.  
ثاقب فر، مرتضی (۱۳۸۵)، دین مهر در جهان باستان، چاپ اول، انتشارات توس، تهران.  
رضی، هاشم (۱۳۷۱)، آیین مهرمیترا، چاپ اول، انتشارات بهجت، تهران.  
ژیران، ف (۱۳۸۷)، اساطیر یونان، مترجم: ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ پنجم، انتشارات کاروان، تهران.  
عطایی، امید (۱۳۸۹)، پیامبر آریایی (ریشه‌های ایرانی در کیش جهانی)، چاپ چهارم، انتشارات عطایی، تهران.